

شکاف ارزشی بین نسلی در خانواده‌های تهرانی

نریمان یوسفی^۱

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی شکاف ارزشی بین نسلی در خانواده‌های تهرانی است. چارچوب نظری تلفیقی از نظریه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است، به گونه‌ای که سنجش و تحلیل نهایی یافته‌ها بر مبنای نظریه‌های تضاد هنجاری، بحران هویت، حشو ارزش و سبک‌های تربیتی صورت گرفته است. برای آزمون تجربی فرضیات منتج از این نظریه‌ها، ۳۳۶ پدر و فرزند (پسر و دختر) در سنین ۱۵ تا ۲۵ سال از شهر تهران به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای مورد پیمایش قرار گرفتند. نتایج حاکی از وجود شکاف در ارزش‌های پدران و فرزندان است و هر دو نسل تقریباً در نیمی از ارزش‌های مورد بررسی بر اختلافات بین نسل خود و دیگری صحنه گذارده‌اند. نتایج معادلات ساختاری نشان می‌دهد: حشو ارزش‌های پدران (۰/۳۷) و تضاد هنجاری بین نسل‌ها (۰/۳۶) به‌طور مستقیم بر شکاف ارزشی بین نسل‌ها مؤثرند. دیگر مسیرهای تأثیرگذاری متغیرهای مستقل معادله که به‌صورت غیرمستقیم بر متغیر وابسته تأثیرگذار هستند، عبارت است از: تأثیرات استبدادگرایی پدران بر حشو ارزش‌های آنان (۰/۷۳)، بر تضاد هنجاری بین نسل‌ها (۰/۶۳) و همچنین تأثیر بحران هویت نسل فرزندان بر تضاد هنجاری بین نسل‌ها (۰/۳۴).

واژگان کلیدی: نسل، ارزش، شکاف ارزشی، تضاد هنجاری، حشو ارزش، بحران هویت و سبک

تربیتی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال دوم • شماره هفتم • تابستان ۹۲ • صص ۲۴۰-۲۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۵/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۰/۱

۱. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی (nyosofi@yahoo.com).

مقدمه

شکاف بین نسل‌ها قدمتی به درازای تاریخ دارد که در حالت معمول امری طبیعی انگاشته می‌شود و چندان اذهان را به خود معطوف نمی‌کند، اما در مقاطع زمانی خاص اختلافات حدود و معیارهای رایج را بر هم ریخته و ابعاد، گستره و شدت آن به حدی می‌رسد که جنبه مرضی یافته و دغدغه خاطر اندیشمندان و توده مردم را فراهم می‌آورد. مدتی است که گسست نسل‌ها اذهان متخصصین امر، متولیان امور فرهنگی جامعه و حتی عامه مردم را به خود مشغول داشته، به گونه‌ای که اختلاف در ارزش‌های نسل والدین و فرزندان امری فراگیر شده و ابعاد و دامنه این اختلاف گسترش یافته است.

ارزش‌ها به‌عنوان نقطه مرکزی این مبحث، عاملی مهم در همبستگی اجتماعی هستند که ضمن انتقال از نسلی به نسل دیگر، باعث تداوم نسلی و فرهنگی می‌شوند. از آنجایی که عدم انتقال ارزش‌ها مانع تعاملات سازنده گروه‌های مختلف سنی می‌شود، این امر زمینه‌ساز و منشأ مسائل اجتماعی عدیده در سطح جامعه می‌شود. همچنین، شکاف بین نسل‌ها نیرویی دافعه بر تعامل نسل‌ها در ارکان زندگی اجتماعی وارد می‌کند.

امروزه در خانواده‌ها شاهد هستیم که والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی در کنار یکدیگر می‌نشینند، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. دیگر کمتر نشانه‌هایی از خانواده‌هایی مشاهده می‌شود که والدین و فرزندان دور هم نشسته و درباره موضوعات مختلف با هم گفت‌وگو کرده و نظرات همدیگر را راجع به موضوعات مختلف جویا شوند (دانایی، ۱۳۸۴: ۸). در این راستا، براساس اظهارات معاون سازمان بهزیستی کشور، میزان گفت‌وگو در بین اعضای خانواده در کشور تنها حدود ۳۰ دقیقه است که می‌تواند آسیب‌زا باشد (رحیمی، ۱۳۹۰).

1. http://socialsciences.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=121:1390-11-09-08-59-46&catid=47:1390-09-27-14-20-27&Itemid=61

همچنین، در سال‌های اخیر نتایج برخی از پژوهش‌ها حکایت از برجسته شدن مسئله روابط بین نسلی در ایران دارد. به عنوان مثال بر اساس نظرسنجی سازمان ملی جوانان، ۴۲ درصد جوانان ابراز داشته‌اند که محیط خانه برای آنان خسته کننده است. همچنین حدود یک سوم آنان اذعان داشته‌اند: «پدرم و مادرم هیچ کدام مرا درک نمی‌کنند» (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰). همچنین، بر حسب نتایج یک پیمایش ملی از ۵۸ هزار جوان مورد مطالعه، ۷۹ درصد از عدم اطمینان و اعتماد خانواده به خود خبر می‌دهند. در کنار شواهد موجود، اهمیت مسئله مورد پژوهش زمانی مضاعف می‌گردد که به دو مقوله به عنوان بسترهای مساعد شکاف بین نسل‌ها توجه شود: ۱. جامعه ایران امروزی، دوران نوسازی و تجدید روابط اجتماعی را سپری می‌کند و ۲. جامعه ایران، جامعه‌ای جوان بوده و تعداد بسیاری از افراد در این محدوده سنی قرار دارند.

با این اوصاف، می‌توان گفت که در سال‌های اخیر روابط بین نسل‌ها از حیث ارزش‌ها دستخوش تغییرات قابل توجهی شده و این تحولات مدتی است که اذهان اندیشمندان و محققین مربوط را به خود مشغول کرده است. این مسائل به‌ویژه از زمانی مورد توجه قرار گرفت که با پایان یافتن جنگ تحمیلی، جامعه ایران دچار تغییرات فرهنگی و اجتماعی شگرفی شد. بنابراین، بررسی علمی شکاف بین نسل‌ها و عوامل و نتایج آن ضروری و مهم است. از جمله اهداف این مقاله برجسته‌سازی تأثیر برخی از عوامل مؤثر بر تکوین این مسئله است.

۱. پیشینه تحقیق

شکاف بین نسل‌ها محدود به جهان مدرن نیست، بلکه نشانه‌هایی از بررسی چنین وقایعی در آتن قدیم نیز آشکار است (Reed et al., 1986). در عصر حاضر نیز گستردگی، پیچیدگی و درهم‌تنیدگی مسئله شکاف بین نسل‌ها، پژوهشگران حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... را به قلم‌فرسایی حول این موضوع واداشته است. با این حال شکاف بین ارزش‌های والدین و فرزندان به‌طور برجسته‌ای در دهه بیست و اواخر دهه سی میلادی در کشورهای پیشرفته اروپایی و آمریکایی به اوج خود رسید و در دهه هفتاد مجدداً محققان به‌طور جدی به بحث شکاف بین نسل‌ها پرداخته‌اند. بررسی روند، دامنه و محتوای مباحث مربوط، ضمن گشودن چشم‌اندازی گسترده درباره موضوع، به ما زاویه دیدی خواهد داد که این تحقیق نیز از آن بی‌بهره نمانده است. به عنوان مثال، به دو مورد از آنها اشاره

می‌شود:

- دودلی در تحقیقی به بررسی بیگانگی مذهبی نوجوانان می‌پردازد. فرضیه محوری وی این است که فرزندان در خانواده‌های سختگیر و سنتی عقاید و ارزش‌های والدیشان را ترک می‌کنند. محقق بعد از ساخت نظری مفهوم به طرح چند فرضیه رسیده است، از جمله اینکه روابط مستبدانه والدین با فرزندان و همچنین تناقض در حرف و عمل عاملین جامعه‌پذیری (والدین) بر شکاف بین والدین و فرزندان مؤثر است و سپس به آزمایش تجربی آنها می‌پردازد. نتایج، فرضیات مربوط را تأیید می‌کند (Dudley, 1978).

- اکاجاکی و همکاران نیز به آزمون مدل دو مرحله‌ای گودنو در خصوص توافق یا عدم توافق بین نسلی درباره جامعه‌پذیری والدینی عقاید مذهبی پرداختند. طبق این مدل، نویسندگان توافق یا عدم توافق والدین و فرزندان را نتیجه کیفیت ادراک از ارزش‌های والدین و سپس طرد یا پذیرش ارزش‌های والدین می‌دانند. آنها مهم‌ترین علل مؤثر بر ادراک ارزش‌های والدین را نوع روابط والدین و فرزند، حسو و اصالت پیام و درجه توافق والدینی می‌دانند (Okagaki et al., 1999).

مروری بر پژوهش‌ها و ادبیات موضوع در ایران حاکی از آن است که در این زمینه مطالعاتی چند صورت گرفته است. به‌طور کلی، وجه غالب در پژوهش‌های داخلی انجام‌یافته این است که موضوع، با جامعیت و ریزبینی مورد کاوش قرار نگرفته است. اکثر مستندات موجود داخلی پایان‌نامه‌های دانشجویی بوده و دارای نتایج کلی، گاه متناقض و به‌لحاظ به‌کارگیری تکنیک‌های آماری و تحلیلی، در سطح پایینی متوقف شده‌اند. در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

- توکلی (۱۳۷۸) با تأسی از طبقه‌بندی ارزش‌ها توسط اینگلهارت، به بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دختران و مادران در شهر تهران می‌پردازد. نتایج بررسی وی حاکی از تفاوت در اولویت‌های ارزشی مادران و دختران است. اولویت ارزشی نسل مادران به ترتیب عبارت است از: تعهد ملی، ارزش‌های مذهبی، امنیت ملی، ارزش‌های علمی، ارزش‌های اخلاقی، ثروت و زندگی مرفه. در مقابل ارزش‌های نسل دختران به ترتیب عبارت است از: ارزش‌های مذهبی، ارزش‌های علمی، تعهد ملی، اخلاق، امنیت ملی، ثروت و زندگی مرفه.

- بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پدران و فرزندان و عوامل مؤثر بر آن عنوان

پژوهشی است که تیموری (۱۳۷۷) به انجام رسانیده است. بر اساس نتایج این بررسی، پدیده شکاف نسل‌ها یک پدیده عام بوده و با توجه به شرایط متفاوت جامعه‌پذیری پدران و پسران در جامعه عمومیت دارد.

- خالقی فر (۱۳۸۱) ضمن بررسی ارزش‌های مادی / فرامادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران به برخی نشانگان فرهنگی دال بر وجود شکاف نسلی در ایران اشاره می‌کند. در کل سوابق موضوع، ما را متوجه دو نکته موضوعی و روشی می‌سازد. از حیث موضوعی مسئله مورد نظر، چندسطحی بوده و برای بررسی دقیق آن، نیازمند مطالعه بین‌رشته‌ای هستیم و کنکاش تک‌ساحتی و جزیره‌ای در این باره ناکافی است. به لحاظ روشی نیز به نظر می‌رسد، رسیدن مطالعات پیشین (داخلی) به نتایج گاه متناقض، متأثر از سنجش یک‌سویه مسئله (پرس و جو از یک نسل) و انتخاب نمونه‌های غیرمعرف به‌عنوان نماینده نسل‌های جامعه است. پژوهش حاضر با آگاهی از این دو مسئله، آنها را در هر دو بعد مد نظر قرار داده است.

در کل، وجه تمایز این مقاله با پژوهش‌های پیشین بین‌رشته‌ای بودن، چندسطحی بودن، سنجش علمی و به‌کارگیری تکنیک‌های آماری پیشرفته است. پژوهش‌های پیشین علاوه بر ضعف در تدوین مبانی نظری سنجش‌پذیر، عموماً در سطح توصیف متوقف مانده‌اند. همچنین عموماً یا ارزش‌های هر دو نسل را از یک نسل جویا شده‌اند و یا میزان تفاوت‌های نسلی حول ارزش‌ها را از یک نسل به نمایندگی از نسل دیگر نیز جمع‌آوری کرده و اصول سنجش علمی را به‌طور کامل رعایت نکرده‌اند. به نظر می‌رسد به همین دلایل عموماً به نتایج ضعیف و گاه متناقض با محدود مبانی نظری استفاده شده، ختم شده‌اند. در مقاله حاضر برای سنجش شکاف بین نسل‌ها، ارزش‌های مورد سنجش به‌طور مستقیم و بدون مداخله نسل دیگر از هر دو نسل سؤال و سپس تفاوت‌ها محاسبه شده است. در ادبیات روشی سنجش تفاوت‌های نسلی، این الگو روش علمی توصیه شده در سنجش تفاوت‌های ارزشی نسل‌هاست.

۲. تعریف مفاهیم

در ادبیات موضوع درباره اختلاف نسل‌ها با یکدیگر، مفاهیم متعددی به کار گرفته شده است. گاه از تفاوت نسلی که تفاوت‌های اندک بین دو نسل حول ارزش‌ها، هنجارها و... را نشان می‌دهد، صحبت به میان آمده و این امری طبیعی است. با شدید شدن این اختلافات به

لحاظ کمی و کیفی، با مفاهیمی از قبیل انقطاع یا گسست نسلی^۱ و شکاف نسلی^۲ مواجه می‌شویم. بیشتر اشتراک ذهنی متخصصین امر حول این اختلافات بر مفهوم اخیر تکیه دارد. بنابراین، برای رسیدن به تعریفی واضح از شکاف ارزشی بین نسل‌ها، ابتدا معنی جداگانه هر کدام از واژه‌های تشکیل‌دهنده این مفهوم ضروری است.

ارزش از مفاهیمی است که بسیاری از محققان در حوزه‌های مختلف به کار برده‌اند و حتی در حوزه‌های واحد با نوعی اغتشاش مفهومی همراه است. به عنوان مثال، ارزش عبارت است از: اعتقاد کلی فرد درباره رفتارهای مطلوب و نامطلوب، اهداف یا حالت‌های غایی که بر تفکر و عمل به طرق مختلف تأثیر می‌گذارند. ارزش‌ها، استانداردها یا معیارهایی را برای ارزیابی اعمال و پیامدها، قضاوت کردن درباره ایده‌ها و اعمال، طرح‌ریزی و هدایت اعمال، تصمیم‌گیری، مقایسه خود با دیگران و مدیریت بر تعاملات اجتماعی فراهم می‌کنند (Cileli et al., 1998). همانند دیگر پدیده‌های فرهنگی، ارزش‌ها دارای ویژگی‌های مشخصی هستند که هم به وسیله آنها توصیف و شناخته شده و هم عامل بازشناسی و تمایز آنها از سایر پدیده‌ها هستند. مک لافلین^۳ در یک تقسیم‌بندی نسبتاً جامع سه ویژگی برای ارزش‌ها نام می‌برد:

۱. ارزش‌ها را نمی‌توان به طور مستقیم مشاهده کرد؛

۲. ارزش‌ها دارای جنبه‌های عاطفی و شناختی هستند؛

۳. ارزش‌ها مستقل از ارگانسیم‌های زیست‌شناختی یا محیط اجتماعی عمل نمی‌کنند

(Deth et al., 1995: 25).

علی‌رغم تعاریف متعددی که از ارزش‌ها صورت گرفته، همگی آنها در یک عنصر مشترک هستند و آن جنبه استاندارد و معیار بودن آنها برای رفتار است، به طوری که همه رفتارهای خرد تا کلان افراد را پوشش می‌دهند و به صورت مجموعه هماهنگ (نظام ارزش‌ها) هستند. همچنین به سیاق تعدد تعاریف مفهوم ارزش، تقسیم‌بندی‌های متعددی نیز از آن صورت گرفته است. روکیچ^۴ ارزش‌ها را به ارزش‌های ابزاری^۵ و ارزش‌های غایی^۶

-
1. Generation discontinuity
 2. Generation gap
 3. Mc Laughlin
 4. Rokeach
 5. Instrumental value
 6. Terminal value

(Brogatha & Brogatha, 1992: 2223) و رونالد اینگلهارت آنها را به ارزش‌های مادی^۱ و ارزش‌های فرامادی^۲ (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۶۱) تفکیک می‌کند. یکی از جامع‌ترین مرزبندی‌های صورت گرفته حول ارزش‌ها از آن تالکوت پارسونز است. وی دو عامل جامعه‌پذیری و نظارت اجتماعی را باعث حفظ نظام اجتماعی کلی می‌داند. پارسونز برای نظام اجتماعی کلی، چهار خرده‌نظام و متناظر با آنها چهار دسته ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برمی‌شمارد (توسلی، ۱۳۷۱: ۶۹).

بسان مفهوم ارزش، مفهوم نسل^۳ نیز با نوعی اغتشاش مفهومی مواجه است. با این حال، تعریف کارل مانهایم^۴ به‌عنوان اولین نظریه‌پرداز این مفهوم، جامع‌ترین است. وی بیان می‌دارد که نسل مجموعه افرادی است که دارای دیدگاه‌های مشترک بر اساس تجربیات مشترک هستند و از افرادی که چنین وضعیتی ندارند متمایز می‌شوند. تعاریف دیتی^۵ و کرتزل^۶ نیز همسو با تعریف مانهایم است (Diepstraten et al., 1999).

۳. چارچوب نظری

چنانکه گفته شد مقوله شکاف نسلی به معنای امروزین آن سابقه طولانی ندارد. با این حال، بررسی ادبیات کلاسیک و معاصر جامعه‌شناسی و اندیشه‌های متفکران این حوزه، ما را متوجه سرنخ‌ها و بحث‌های مستقیمی در اندیشه‌های متفکرانی از کارل مارکس^۷، مارکس وبر^۸، امیل دورکیم^۹، تالکوت پارسونز، رابرت مرتون^{۱۰}، جورج زیمل^{۱۱} تا آنتونی گیدنز^{۱۲}، استوارت هال^{۱۳}، رونالد اینگلهارت، مسعود چلبی، فرامرز رفیع‌پور و... کرده و می‌توان از

1. Material values
2. Postmaterial values
3. Generation
4. Karl Mannheim
5. Ditley
6. Kertzel
7. Karl Marx
8. Marx Weber
9. Emile Durkeim
10. Robert K. Merton
11. George Zimmel
12. Anthony Giddens
13. Stewart Hall

اندیشه‌های آنان به مفاهیمی جامعه‌شناختی از جمله نظارت اجتماعی، تضاد هنجاری، فردگرایی، تضاد خانوادگی، گروه مرجع، بحران هویت، جهانی شدن، کاهش اعتماد، اعتماد، بیگانگی ارزشی و... برای تبیین این مسئله رهنمون شد. از سویی دیگر بررسی این موضوع در ادبیات روان‌شناسی نیز به مانند حوزه جامعه‌شناسی کم و بیش پررونق است.

با این اوصاف و با توجه به اینکه این مقاله برگرفته از یک بررسی جامع حول موضوع است که در آن اکثر متغیرهای موجود در ادبیات موضوع مورد بررسی نظری و تجربی قرار گرفته و از آنجایی که ویژگی منحصر به فرد آن رسیدن به یک مدل معادلات ساختاری با ترکیبی از متغیرهای کلان جامعه‌شناختی و خرد روان‌شناختی است، صرفاً به تشریح آن دسته از متغیرهایی پرداخته می‌شود که در معادله مذکور حاضر هستند.

۱-۳. تضاد هنجاری

هنجارها، اندیشه‌هایی هستند درباره رفتارهایی که برای اعضای گروهی خاص، رفتار صحیح تلقی می‌شوند و تقسیم‌بندی‌های مختلفی از آن به عمل آمده است (تری یاندریس، ۱۳۷۸: ۲۵۷). سوروکین^{۱۰} هنجارها را چنین طبقه‌بندی کرده است: ۱. هنجارهای قانونی، ۲. هنجارهای تکنیکی، ۳. هنجارهای معاشرتی، ۴. هنجارهای پوششی و ۵. مقوله‌ای با عنوان سایر. لیتون^{۱۱} مقوله‌های مشهورش را به صورت هنجارهای جهانی، اختصاصی و بدیل عرضه کرده است. رایین ام. ویلیامز^{۱۲} ضمن تجدید نظر در طبقه‌بندی سوروکین، هنجارها را با توجه به ابعاد اصلی آنها به صورت هنجارهای تکنیکی، آداب و رسوم، زیباشناختی و

-
1. Social supervision
 2. Conflict norm
 3. Individualism
 4. Family conflict
 5. Reference group
 6. Identity crisis
 7. Globalization
 8. Trust
 9. Value alienation
 - 10 Sorokin
 11. Liton
 12. Robin M. Williams

اخلاقی همراه با نشان دادن مشخصات نوعی هنجار که آن را هنجار نمادین نامیده، ارائه داده است (Morris, 1956).

تضاد هنجاری به عنوان منشأ تضاد ارزشی در اندیشه چلبی مفهوم‌سازی شده است. وی می‌گوید: یکی از انواع عمده اختلال اجتماعی، اختلال هنجاری^۱ است. منظور از اختلال هنجاری، تقریباً همانی است که دورکیم آن را آنومی اجتماعی^۲ می‌نامد. از نظر دورکیم آنومی اجتماعی از عوارض عمده مرحله‌ی گذار است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۰۷). اختلال هنجاری می‌تواند پنج شکل مختلف به خود بگیرد: ۱. قطبی شدن هنجاری، ۲. تضاد هنجاری، ۳. ناپایداری هنجاری یا تناقض منطقی هنجاری، ۴. ضعف هنجاری (رکود در علایق اجتماعی و تعهد نسبت به قواعد اجتماعی)، و ۵. بی‌هنجاری یا فقدان قواعد هنجاری برای بعضی امور اجتماعی. بدیهی است که هر پنج شکل اختلال هنجاری می‌تواند همزمان در یک جامعه باشد و یکدیگر را تقویت کند (همان: ۱۱۲).

قطبی شدن هنجاری و تضاد هنجاری مورد نظر بحث ما قرار دارد. اگر در یک وضعیت متعارف برای انجام امور خاصی مثل طرز لباس پوشیدن، هنجار یا مجموعه هنجارهای مرتبط با هم وجود داشته باشد، به طوری که توزیع جمعیت بر حسب میزان فشار هنجاری با میزان تسلط اجتماعی و تعهد نسبت به آنها تقریباً نرمال باشد، در چنین وضعیتی قطبی شدن هنجاری وجود ندارد و این وضعیت، طبیعی است. حال اگر در مورد لباس پوشیدن، تابع توزیع جمعیت بر حسب میزان فشار هنجاری دو کوهانه باشد، طبق تعریف، این وضعیت را قطبی شدن هنجاری می‌نامیم. بر خلاف وضعیت متعارف که اکثر جمعیت متوسط فشار هنجاری را احساس می‌کند، در وضعیت قطبی شدن هنجاری، اقلیت جامعه یکی دارای احساس تعهد بیش از حد متوسط فشار هنجاری و دیگری دارای احساس تعهد کمتر از حد متوسط فشار هنجاری است.

قطبی شدن هنجاری می‌تواند زمینه‌ساز تضاد هنجاری و تضاد ارزشی باشد. در وضعیت تضاد هنجاری، برای برخی امور اجتماعی دو هنجار یا دو مجموعه هنجار متضاد وجود دارد. برای مثال، در مورد پوشش زن در جامعه، اگر یک هنجار بگوید باید چادر پوشید و

-
1. Social disorder
 2. Normative disorder
 3. Social anomie

هنجار دیگر در مقابل بگوید نباید چادر پوشید، در این صورت با نمونه بارز تضاد هنجارها مواجه هستیم. به هر حال در وضعیت تضاد هنجاری، اعضای جامعه به صورت دیجیتالی به دو گروه تقسیم شده و هر گروه در دو فضای هنجاری متفاوت سیر می کند (همان: ۱۱۴-۱۱۳).

۲-۳. بحران هویت

کراجر^۱ در تعریف هویت می نویسد: هویت به معنای برقراری توازن میان خود و دیگران است. در برخی فرهنگها نیز هویت را مترادف با شخصیت و اصلیت آورده اند (شرفی، ۱۳۸۰: ۸). اریکسون^۲ بر مفاهیم هویت، بحران هویت و آشفتگی هویت^۳ تأکید می کند. بحران هویت، واژه ای است که به وسیله وی برای توصیف عدم توانایی نوجوان در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد، به کار رفته است. از نگاهی دیگر، بحران هویت این گونه تعریف شده است: عدم موفقیت یک نوجوان در شکل دادن به هویت فردی خود، اعم از اینکه به علت تجارب نامطلوب کودکی یا شرایط نامساعد فعلی باشد، بحرانی ایجاد می کند که بحران هویت یا گمگشتگی نام دارد (همان: ۱۸).

فرد در خلال مرحله شکل گیری هویت، احتمال دارد شدیدتر از هر زمان دیگر، چه در گذشته و چه در آینده از نوعی سردرگمی و آشفتگی نقش ها یا همان چیزی که اریکسون آشفتگی هویت می نامد، رنج ببرد. اختلال هویت مشخصه اصلی این پدیده، پریشانی درونی (ذهنی) شدیدی است که مشتمل بر ناتوانی فرد در تطبیق وضعیت خویش با احساس شخصی قابل قبول و منطقی به طور نسبی است. درباره تنوع مسائلی که به هویت مربوط می شود، تردیدهایی وجود دارد؛ ولی عمدتاً شامل مواردی از قبیل هدف های درازمدت، انتخاب خط مشی زندگی، الگوهای دوستی، رفتار و هدایت جنسی، ارزش های اخلاقی و وفاداری های گروهی است (همان: ۱۱۹-۱۱۸).

اریکسون در مورد پیامدهای بحران هویت معتقد است: فردی که قادر به یافتن ارزش های مثبت و پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود نیست، ایده آل هایش به هم می ریزد. چنین فردی که از درهم ریختگی هویت رنج می برد، نه می تواند ارزش های

1. Kroger
2. Erikson
3. Identity confusion

گذشته خود را ارزیابی کند و نه صاحب ارزش‌هایی می‌شود که به کمک آنها بتواند، آزادانه برای آینده طرح‌ریزی کند. بسیاری از افراد، هنگامی که دچار بحران هویت می‌شوند، احساس پوچی، از خود بیگانگی، تنهایی و غربت می‌کنند و حتی گاه به دنبال هویت منفی^۱ می‌گردند، هویتی درست بر خلاف آنچه اولیا و جامعه برای آنها در نظر گرفته است (همان: ۲۰).

آسیب‌پذیری نسل جوان امروزی در مقابل فشارهای سریع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فناوری ممکن است به شکل‌گیری و تکامل احساس هویت صدمه‌زنند و باعث ایجاد احساس ناامنی، عدم اطمینان، اضطراب و عدم ثبات فرد شود. این تغییرات، احتمالاً ارزش‌ها و سنت‌های جامعه را برای نسل جوان بی‌اعتبار و متزلزل می‌سازد و زمینه‌ساز تعارض بین نسل‌ها می‌شود.

اندیشمندان برای هویت و متناظر با آن بحران هویت ابعاد متفاوتی قائل شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این ابعاد عبارتند از: هویت فردی (شخصی)، هویت خانوادگی، هویت ملی، هویت دینی، هویت اجتماعی، هویت فرهنگی، هویت حرفه‌ای، هویت تمدنی و... (همان: ۱۲۹). در تحقیق حاضر، به دلیل سنخیت و اهمیت بعد فرهنگی هویت، هویت فرهنگی مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است.

۳-۳. حشو ارزش^۲

برحسب مدل جامعه‌پذیری گودنوو^۳ قبل از اینکه فرزندان عقاید والدینشان را بپذیرند یا طرد کنند، ابتدا ادراکی از ارزش‌ها و عقاید والدینشان کسب می‌کنند. برحسب این مدل، صحت ادراکات فرزندان از ارزش‌های والدین به‌طور اساسی تحت شرایطی است که اطلاعات (ارزش‌ها) را به دست می‌آورند. وی وضوح^۴، حشو^۵، اصالت^۶، درجه توافق ارزشی والدین^۷ و مناسبات توسعه‌ای را مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده ادراک از ارزش‌های والدین می‌داند.

-
1. Negative identity
 2. Ralue redundancy
 3. Goodnow
 4. Clarity
 5. Originality
 6. Consistency

وضوح و روشنی پیام نتیجه صراحت داشتن پیام است. پیام‌های صریح تلویحاً نیازمند این هستند که فرزندان موقعیت والدینشان را استنتاج کرده و از این طریق به درک بهتر رهنمون شوند (Okagaki et al., 1999; Grusec et al., 1994).

گودنو حشو پیام و اصالت پیام را از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده ادراک از ارزش‌های والدین می‌داند (Okagaki, 1999). حشو به معنی افزونگی و سخن زائد است و اصطلاحاً به معنای این است که یک پیام چقدر زائد و تکراری باشد. همچنین وی اظهار می‌دارد: پذیرش یا طرد عقاید والدین (مرحله دوم) به فاکتورهایی مانند ادراک فرزندان از مناسب بودن تصویر (ارزش‌ها)، انگیزش فرزندان به پذیرش عقاید والدین و ادراک فرزندان از درجه‌ای که والدین تمایل دارند که فرزندان در عقایدشان مشارکت کنند، بستگی دارد. به‌طور کلی سه دسته متغیر بر پذیرش یا طرد پیام مؤثر هستند: ۱. مقداری که فرزندان درک کنند که پیغام والدین (ارزش) مناسب است. حشو ارزش از جمله عوامل نامناسب دانستن ارزش‌های والدین است، ۲. انگیزش فرزندان و ۳. درجه‌ای که فرزندان یک ارزش یا استاندارد را خود ایجاد شده ببینند (Grusec et al., op.cit).

۳-۴. سبک‌های تربیتی^۱

تئوری‌های جامعه‌پذیری، خانواده، به‌ویژه والدین را به‌عنوان عاملین خاص پرورش در دوران کودکی مورد توجه قرار می‌دهند. از منظر این تئوری‌ها خانواده‌ها، جامعه‌پذیری نظام‌مند را از طریق آموختن هنجارها و نظم اجتماعی به فرزندان فراهم می‌کنند (یوسفی، ۱۳۸۲: ۲۹۱). گروسک^۲ و گودنو به چهار مسئله برای شناخت محدوده والدینی کردن و کسب ارزش‌ها اشاره می‌کنند:

۱. شناخت والدین و درک فرزندان به‌عنوان معیار مناسب؛
۲. روابط والدین و فرزندان؛
۳. اهداف جامعه‌پذیری والدین؛
۴. سبک‌های والدینی کردن (Grusec et al., 2000).

گرولنیک^۳ با تأکید بر نقش سبک‌های والدینی کردن، می‌گوید: سبک‌های

1. Methods of parenting
2. Grusec
3. Grolnick

والدینی کردن، توسعه منابع داخلی کسب^۱ در فرزندان را تعالی می‌بخشد. از نظر وی، رهیافت‌های معاصر در جامعه‌پذیری بیشتر از تحکم بر دلیل آوری و اقناع تأکید می‌کنند (یوسفی، پیشین: ۲۹۲). سبک‌های والدینی را می‌توان به‌مثابه برداری تصور کرد که در یک سر آن نبود هر گونه کنترل و در سر دیگر آن استبداد مطلق (حتی توسل به مجازات فیزیکی) قرار دارد و حالات مختلف یا ترکیبات متعدد در امتداد این بردار متصور است. باومریند^۲ سبک‌های والدینی را به سه دسته تفکیک کرده است: دیکتاتوری^۳، آمرانه یا مقتدر^۴ و آسانگیر^۵ (Grusec et al., op.cit).

در حالی که والدین دیکتاتور اطاعت بی‌چون و چرا و مبادله افکار بدون انعطاف را می‌خواهند، پاسخگو نبوده و با فرزندانشان صمیمی نیستند، والدین مقتدر کنترل‌های محکمی بر رفتارهای فرزندانشان اعمال کرده و در عین حال به دیدگاه‌های فرزندانشان هم گوش می‌دهند و حتی بر طبق رفتارشان قضاوت می‌کنند. آنها در برابر فرزندان احساس مسئولیت می‌کنند، انتظارات بالا و صریحی دارند و رفتار فرزندان را هدایت می‌کنند. بر این اساس و بر حسب تئوری تعلق^۶، فرزندان که به لحاظ امنیت به والدینشان وابسته‌اند، تمایل قوی‌تری به پذیرش عقاید و ارزش‌های آنها دارند. اما از سویی والدین آسان‌گیر مطالبات و نظارت تربیتی بسیار کمی دارند. این افراد صمیمی و پاسخگو هستند، اما انتظارات روشنی نداشته و رفتارهای فرزندان را هدایت نمی‌کنند (Okagaki et al., 1999).

بر اساس نظر گودنوو، اظهار قدرت مدلی را از تخطی فراهم می‌کند که منجر به اعمال ضد اجتماعی و ضد اخلاقی می‌شود و از شکل‌گیری پیام‌های اخلاقی برجسته در فرزند جلوگیری می‌کند، بنابراین احتمال کمی وجود دارد که چنانچه این مانع خارجی موجود باشد، فرزند آن را بپذیرد (Grusec & Goodnow, 1994).

در کل با پیوند تئوری‌های جامعه‌پذیری و تعلق و با تأسی از دیدگاه گودنوو، سبک تربیتی به‌عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر شکاف بین نسل‌ها در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است. البته بجز گودنوو این متغیر در کار افراد دیگری از جمله گرولینک، باومریند

-
1. Inner sources of achievement
 2. Baumrind
 3. Authoritarian
 4. Authoritative
 5. Permissive
 6. Attachment theory

نیز دیده شده است. به طور کلی شکاف بین نسل‌ها مبحثی بین رشته‌ای بوده که از متغیرهای کلان، میانی و حتی خرد متأثر است. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به عنوان مرتبط‌ترین متولیان رشته‌های علمی درگیر با این موضوع، به تأمل و نظریه‌پردازی درباره شکاف بین نسل‌ها پرداخته‌اند.

مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی جامع است که متغیرهای متعدد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در آن بررسی شده‌اند. در این نوشتار علاوه بر آزمون فرضیات، تمرکز بر ارائه مدلی (مدل معادلات ساختاری) بین‌رشته‌ای برای تبیین مسئله مورد بررسی است. مدل معادلات ساختاری کاملاً تئوری محور است و رسیدن به یک مدل مناسب و قابل قبول مستلزم به کارگیری تئوری‌های دقیق و مرتبط است، به گونه‌ای که روابط متغیرهای استنتاجی از آنها برای تبیین مسئله منسجم و منطقی باشد. گاه برای رسیدن به چنین مدلی، محققان مجبور به آزمون مدل‌های متعدد می‌شوند. در این مقاله نیز پس از طی مراحل مذکور، متغیرهای تضاد هنجاری، بحران هویت، حسو ارزش و سبک تربیتی به عنوان متغیرهای مستقل مؤثر بر شکاف ارزشی بین نسل‌ها انتخاب شده‌اند. فرضیه‌های مورد بررسی در این مقاله عبارتند از:

- بین نسل پدران و فرزندان شکاف نسلی (از دیدگاه نسل‌ها) وجود دارد.
- بین تضاد هنجاری نسل‌ها و شکاف در ارزش‌های آنان رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین حسو ارزش‌های پدران از نظر فرزندان و شکاف در ارزش‌های آنان رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین استبدادگرایی پدران و شکاف در ارزش‌های پدران و فرزندان رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین بحران هویت نسل فرزندان و شکاف در ارزش‌های پدران و فرزندان رابطه مستقیم وجود دارد.

۴. روش تحقیق

در این تحقیق میدانی، اطلاعات با استفاده از پرسشنامه همراه با مصاحبه جمع‌آوری شده‌اند. برای این منظور بعد از تهیه پرسشنامه مقدماتی، آزمون و اصلاح آن، پرسشنامه نهایی شده و سپس مصاحبه‌ها انجام شده است.

۴-۱. سنجش متغیرها

بررسی ادبیات سنجش روابط نسلی حاکی از آن است که تا کنون از سه روش برای سنجش شکاف بین نسل‌ها استفاده شده است: ۱. سنجش روابط (شکاف/عدم شکاف) نسلی از دیدگاه والدین، ۲. سنجش روابط نسلی (شکاف/عدم شکاف) از دیدگاه فرزندان و ۳. سنجش روابط نسلی (شکاف/عدم شکاف) از مقایسه دیدگاه والدین با فرزندان (Jacobsen et al., 1975). متقاعدکننده‌ترین روش سنجش انتقال-عدم انتقال ارزش از والدین به فرزندان، روشی است که داده‌ها از هر دو نسل جمع‌آوری شود، اما به علت پیچیدگی سنجش مفهوم و ابعاد آن، حجم کار و... همه پژوهش‌ها این کار را نکرده‌اند. در اکثر پژوهش‌ها اطلاعات صرفاً از یک نسل جمع‌آوری شده و اطلاعات نسل دیگر از همان نسل سؤال شده است. این روش به علت ادراکات احتمالاً نادرست یک نسل از ارزش‌های نسل دیگر، احتمالاً از دقت کمتری برخوردار است (Hoge et al., 1982).

مقاله حاضر بخشی از یک تحقیق وسیع‌تر است که در آن شکاف بین نسل‌ها با ترکیبی از سه روش فوق به دست آمده است. بدین صورت که یک بار نظرات پدران و فرزندان بر روی گویه‌های یکسان سنجش شده و شاخص شکاف نسلی از تفاضل این دو حاصل شده است. همچنین برای دقت سنجش و مقایسه نتایج در کنار این روش، اقدام به کسب نظرات هر دو نسل در خصوص تفاوت دیدگاه‌هایشان بر روی همان گویه‌ها شده و از هر دو نسل سؤال شده است که در مورد هر گویه چقدر با دیگری اختلاف دارد. این شاخص «شاخص شکاف نسلی از دیدگاه نسل‌ها» نامیده شده است که محور بحث ما خواهد بود. از نقاط قوت پژوهش حاضر، آن است که با روش‌های متفاوت به نتایج یکسان برای اندازه‌گیری شکاف بین نسل‌ها رسیده است. مقاله حاضر صرفاً از داده‌های روش اخیر بهره‌مند است.

۴-۲. سنجش متغیر وابسته

نوعی تعدد در تعریف و تقسیم‌بندی ارزش‌ها حاکم است و محققین بنا به ماهیت تحقیق در سنجش ارزش‌ها یکی از این طبقه‌بندی‌ها را برمی‌گزینند. در این پژوهش الگوی مورد نظر پارسونز در تقسیم‌بندی ارزش‌ها رعایت و شکاف بین نسل‌ها بر روی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سنجش شده است. برای این منظور گویه‌هایی برای سنجش

ابعاد مذکور طراحی شده است که عناوین آنها مدل معادلات ساختاری به طور کامل آمده است. آلفای بالای شاخص طراحی شده (۹۰) نشان می‌دهد که این شاخص بسیار خوب عملیاتی و سنجش شده است. این مسئله در بارگویی‌های شاخص در مدل لیزرل نیز کاملاً مشخص است.

۳-۴. سنجش متغیرهای مستقل

برای سنجش اطلاعات متغیرهای سبک تربیتی، بحران هویت فرهنگی نسل فرزندان و حشو ارزش پدران صرفاً از نسل فرزندان پرسش شده است. در حالی که برخی گویه‌های متغیر تضاد هنجاری بین نسل‌ها حاصل تفاضل نظرات پدران و فرزندان و برخی نیز نتیجه ترکیب نظرات این دو نسل است.

۴-۴. جامعه و نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق پدر و فرزندان (پسر و دختر) سنین ۱۵ تا ۲۵ سال در شهر تهران است. به این صورت که پدران و فرزندان هر دو از یک خانواده انتخاب شده‌اند. قبل از اینکه تعداد نمونه ذکر شود، بیان چند نکته ضروری است. دواس در کتاب پیمایش در تحقیقات اجتماعی آورده است که حجم نمونه مقتضی به چند عامل کلیدی بستگی دارد: ۱. درجه دقت مورد نظر برای نمونه، ۲. میزان تغییر در جمعیت بر حسب خصوصیات اصلی مورد مطالعه و ۳. فرض همگنی جمعیت (دواس، ۱۳۷۶: ۷۸). در خصوص دقت مورد نظر برای نمونه‌گیری، افزایش حجم نمونه عمدتاً ربطی به دقت نمونه ندارد. فقط حجم نمونه است که حائز اهمیت است (مگر در مواردی که حجم نمونه نسبت قابل توجهی از جمعیت باشد، برای مثال، ۱۰ درصد). با لحاظ کردن شروط؛ الف) $0/70 = P$ و $0/30 = q$ ، ب) درجه دقت ۵ درصد و ج) سطح اطمینان ۹۵ درصد حجم نمونه عدد ۳۳۶ به دست می‌آید (همان: ۷۹). نمونه‌های تحقیق حاضر از مسیر نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای برگزیده شده‌اند. برای تحقق این امر در گام نخست شهر تهران به سه گروه مناطق میانی، شمالی و جنوبی تقسیم شدند. در گام بعدی از بین هر کدام از این مناطق، تعدادی از مناطق شهرداری انتخاب و سپس از بین آنها نیز تعدادی ناحیه بر حسب

تقسیمات شهرداری انتخاب شدند. این روند آنقدر ادامه یافت تا پرسشگران به در منزل پاسخگویان رسیده و در صورت حصول اطمینان از داشتن شرایط با پدر خانواده و یکی از فرزندان حائز شرایط وی مصاحبه به عمل آمده است.

۴-۵. اعتبار و روایی^۲

اعتبار مورد استفاده در این تحقیق، اعتبار صوری^۳ است. برای این منظور شاخص‌ها، معرف‌ها و پرسشنامه طراحی شده با تعدادی از متخصصین امر به مشورت گذارده شده و در مورد آنها اجماع نظر رعایت شده است. البته پرسشنامه نهایی، پیش‌آزمون^۴ نیز شده است.

جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ شاخص‌های تحقیق

مقدار آلفا	شاخص‌ها
۶۵	استبدادگرایی پدران
۴۱	تضاد هنجاری نسل‌ها
۷۴	بحران هویت فرهنگی
۸۵	حشو ارزش‌های پدران
۹۱	شکاف نسلی پدران و فرزندان

در تحقیق حاضر برای روایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است که در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آلفای به دست آمده برای سنجش متغیرهای مستقل و متغیر وابسته حائز شرایط قابل قبول است.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. سیمای پاسخگویان

این پژوهش بررسی شکاف ارزشی بین پدران و فرزندان است، بنابراین فقط توزیع جنسیت

-
1. Validity
 2. Reliability
 3. Face validity
 4. Pre test

فرزندان معنا دارد. بر اساس آمار، ۶۰ درصد پاسخگویان مرد و ۴۰ درصد زن بوده‌اند. میانگین سنی پدران ۵۲/۵ سال و این عدد برای فرزندان ۱۹/۸ سال است. مسن‌ترین پدر نمونه تحقیق ۹۸ سال و کم‌سن‌ترین آنها ۳۶ سال سن داشته‌اند. از سویی دیگر، جوان‌ترین فرد نمونه فرزندان، ۱۵ سال و بزرگ‌ترین فرد ۲۵ سال سن داشته است.

جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین سطح تحصیلات پدران ۱۰/۱ کلاس است. بالاترین سطح تحصیلات آنها ۲۰ کلاس و پایین‌ترین سطح آن صفر است. همین جدول نشان می‌دهد که میانگین سطح تحصیلات فرزندان ۱۲/۵ کلاس است. همانند پدران بالاترین سطح تحصیلات فرزندان ۲۰ کلاس است؛ اما حداقل سطح تحصیلات فرزندان با پدرانشان ۸ کلاس اختلاف دارد.

جدول ۲. توزیع سطح تحصیلات پاسخگویان

پاسخگویان	میانگین	حداقل	حداکثر
پدران	۱۰/۱۰	۰	۲۰
فرزندان	۱۲/۵۱	۸	۲۰

۳۶ درصد پاسخگویان از مناطق جنوبی شهر تهران، ۳۳ درصد از مناطق میانی و سایرین (۳۱ درصد) از مناطق شمالی شهر تهران هستند. نمونه‌ها از نواحی مختلف تهران برگزیده شده‌اند.

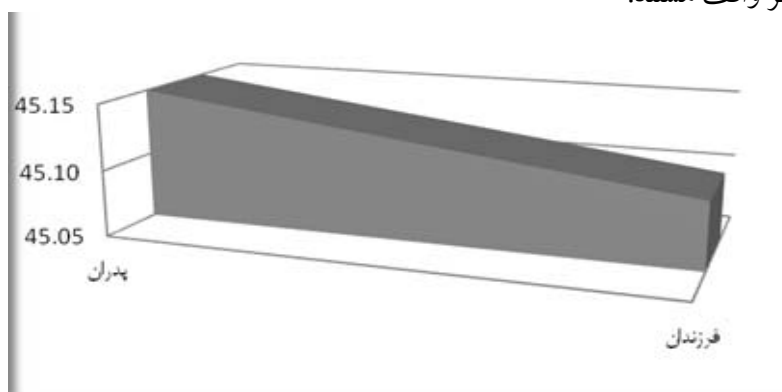
۲-۵. توزیع فراوانی شکاف بین نسل‌ها از دیدگاه نسل‌ها

در شاخص شکاف نسلی از دیدگاه نسل‌ها گویه‌هایی دربارهٔ جوانب رفتاری و نگرشی ارزش‌ها به صورت کلی مطرح و از پدران و فرزندان به صورت جداگانه پرسش شده است که در هر کدام از آنها، چقدر با دیگری اختلاف دارد. مجموع نظرات هر دو نسل شاخص شکاف نسلی از دیدگاه نسل‌هاست. به منظور سهولت ادراک، این شاخص به صورت مقیاس صفر تا صد ارائه شده است تا علاوه بر فهم بهتر پاسخ‌های هر نسل امکان مقایسهٔ نظرات پدران و فرزندان در ارتباط با شکاف نسلی از دیدگاه آنان نیز فراهم شود.

جدول ۳. آماره‌های شاخص شکاف نسلی از دیدگاه نسل‌ها

آماره‌ها	فرزندان	پدران
میانگین	۴۵/۱۰	۴۵/۱۵
کمینه	۰	۰
بیشینه	۱۰۰	۱۰۰
t	-۰/۰۵۶	
درجه آزادی	۶۱۲	
سطح معناداری	۰/۹۹۵	

جدول ۳ میانگین کلی پاسخ‌های پدران و فرزندان در مورد گویه‌ها به همراه آزمون تفاوت میانگین‌ها و دیگر آماره‌های این شاخص را به نمایش می‌گذارد. از آنجایی که فرض ما بر این است که نباید میانگین‌ها تفاوت چشمگیر داشته باشند، نباید تفاوت میانگین‌ها نیز معنادار باشد؛ چراکه در این شیوه از هر دو نسل پرسیده شده است که در هر مورد (برای مثال، معیارهای ازدواج) چقدر با دیگری اختلاف دارد و واقعیت به صورت مستقیم مورد پرسش قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد: به صورت کلی در این شاخص میانگین پاسخ پدران (۴۵/۱۵) و فرزندان (۴۵/۱۰) در خصوص اختلافشان با دیگری متفاوت نیست و اندک تفاوت آشکار نیز معنادار نیست ($\text{sig} = 0/995$). این نتایج با فرض نخست پژوهش مبنی بر وجود شکاف ارزشی بین نسلی در خانواده‌های تهرانی همخوانی دارد. همچنین تفسیر اعداد مذکور، این است که پدران و فرزندان به اختلاف‌های ارزشی موجود بین یکدیگر واقف هستند.



نمودار ۱. نمایش گرافیکی میزان وقوف نسل‌ها به شکاف ارزشی با نسل دیگر

در ادبیات نسلی تأکید شده که اختلافات بین نسل‌ها به‌مثابه برداری است که در یک سوی آن انقطاع کامل نسلی و در سوی دیگر آن انطباق کامل نسلی وجود دارد که وقوع این دو حالت در عالم واقع بعید است. اینجاست که مقیاس صفر تا صد برای فهم بهتر وضعیت مناسبات نسلی به ما کمک می‌کند. نمره این شاخص حدود عدد ۴۵ است، به عبارت دیگر، پدران و فرزندان اذعان داشته‌اند که تقریباً در نیمی از موارد (گویه‌های ارائه شده در مدل معادلات ساختاری) مثل هم نیستند، مثل هم فکر و عمل نمی‌کنند، علایقشان متفاوت است و به‌طور کلی در نیمی از ارزش‌هایشان با هم متفاوت هستند (به‌قاعده نمودار ۱ توجه شود). با این حال، نمودار ۱ نشان می‌دهد که میزان وقوف نسل پدران به شکاف ارزشی با نسل فرزندان نشان به‌دلیل حافظه نسلی درازمدت‌تر و پایدارتر از نسل فرزندان اندکی بیشتر است.

۳-۵. توزیع متغیرهای مستقل

جدول ۴ میانگین نمرات متغیرهای مستقل را در مقیاس صفر تا صد نشان می‌دهد. در این باره، عدد ۵۰ معیاری است که می‌توان بر اساس آن، درباره شدت و ضعف پاسخ‌های داده شده به یک شاخص قضاوت کرد و درباره وضعیت پاسخگویان در آن مورد ابراز نظر کرد.

جدول ۴. متغیرهای مستقل بر روی مقیاس صفر تا صد

شاخص‌ها	میانگین	حداقل	حداکثر
استبدادگرایی نسل پدران	۳۳/۲۰	۰	۱۰۰
تضاد هنجاری نسل‌ها	۴۲/۷۲	۰	۱۰۰
حشو ارزش‌های پدران	۴۰/۶۹	۰	۱۰۰
بحران هویت نسل فرزندان	۴۴/۶۴	۰	۱۰۰

بر اساس نتایج، بیشترین نمره مربوط به بحران هویت نسل فرزندان است، به گونه‌ای که نمره این شاخص ۴۴/۶۴ درصد به‌دست آمده است و رگه‌های قابل توجهی از بحران هویت در آنان مشاهده شده است. همچنین ۴۲/۷۲ درصد پدران و فرزندان بیان داشته‌اند که با نسل دیگری در هنجارهای سنجش شده دارای اختلاف نظر هستند. حشو ارزش‌های پدران و قدیمی و به‌روز نبودن ارزش‌های آنان در نظرات ۴۰/۶۹ درصد نسل جوانان به چشم می‌خورد. در نهایت، نمره‌ای که فرزندان به استبدادگرایی پدران‌شان داده‌اند، ۳۳/۲۰ است.

به عبارت دیگر، در کل فرزندان استبدادگرایی پدرانشان را پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند و حدود یک‌سوم آنان پدرانشان را افرادی مستبد و خودرأی ارزیابی کرده‌اند. در مجموع نمراتی که پاسخگویان به این شاخص‌ها داده‌اند، تقریباً همگی اندکی پایین‌تر از حالت بینابینی قرار دارد.

۴-۵. روابط متغیره‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، شکاف بین نسل‌ها با همه متغیره‌های مستقل همبستگی مثبت و معنادار دارد. مقدار این همبستگی با حشو ارزش‌های پدران $0/510$ ، استبدادگرایی پدران $0/418$ ، تضاد هنجاری بین پدران و فرزندان $0/316$ و بحران هویت نسل فرزندان $0/270$ به دست آمده است. به عبارتی، بیشترین این همبستگی‌ها با متغیر حشو ارزش‌های پدران و کمترین آن با بحران هویت نسل جوانان است. همچنین مشاهده می‌شود که بیشترین همبستگی‌های بین متغیر استبدادگرایی پدران با متغیر حشو ارزش‌های پدران ($0/545$)، بیشترین همبستگی تضاد هنجاری با متغیر حشو ارزش‌های پدران ($0/324$) و بیشترین همبستگی بحران هویت فرزندان با حشو ارزش‌های پدران ($0/375$) به دست آمده است.

جدول ۵. ماتریس همبستگی متغیره‌های تحقیق

متغیره‌ها	شکاف نسلی از دیدگاه نسل‌ها	بحران هویت فرزندان	حشو ارزش‌های پدران	تضاد هنجاری نسل‌ها	استبدادگرایی نسل پدران
استبدادگرایی نسل پدران	$0/418$ $0/000$	$0/195$ $0/001$	$0/545$ $0/000$	$0/318$ $0/000$	۱ ۰
تضاد هنجاری نسل‌ها	$0/316$ $0/000$	$0/251$ $0/000$	$0/324$ $0/000$	۱ ۰	$0/318$ $0/000$
حشو ارزش‌های پدران	$0/510$ $0/000$	$0/375$ $0/000$	۱ ۰	$0/324$ $0/000$	$0/545$ $0/000$
بحران هویت فرزندان	$0/270$ $0/000$	۱ ۰	$0/375$ $0/000$	$0/251$ $0/000$	$0/195$ $0/001$
شکاف نسلی از دیدگاه نسل‌ها	۱ ۰	$0/270$ $0/000$	$0/510$ $0/000$	$0/361$ $0/000$	$0/418$ $0/000$

عدد اول هر سلول میزان همبستگی و عدد پایینی سطح معناداری است.

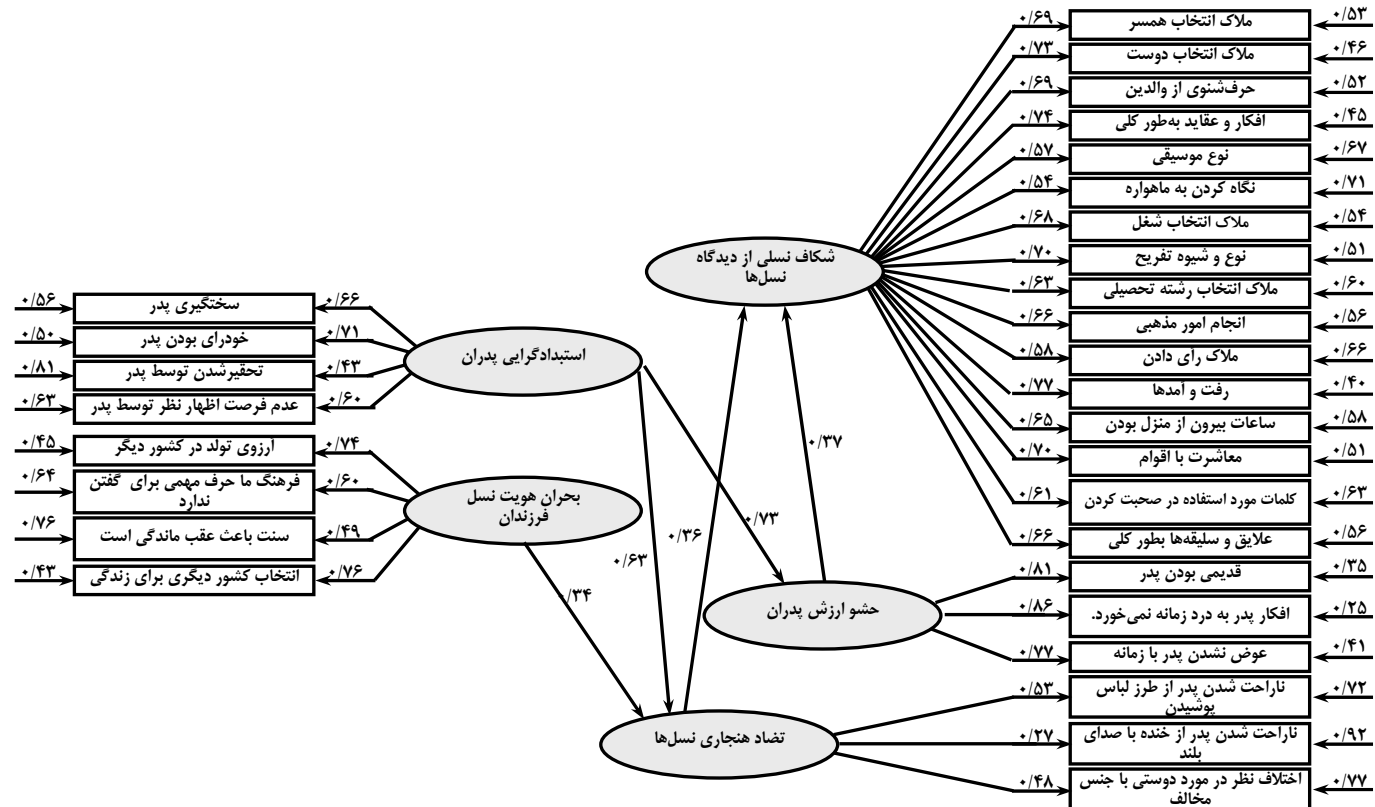
۵-۵. مدل معادلات ساختاری

مدل معادلات ساختاری به محققین این امکان را می‌دهد تا به تحلیل علی متغیرهای پنهان^۱ و متغیرهای آشکار^۲ به‌طور همزمان بپردازد. با استفاده از این مزیت مدل‌های ساختاری سعی می‌شود ارتباط علی متغیرهای پنهان با یکدیگر و روابط هر یک از آنها با معرف‌های مربوط (متغیرهای آشکار) بررسی شود. همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، در قسمت اندازه‌گیری غالب بارگوه‌ها بالای ۰/۵۰ است و نشان می‌دهد که شاخص‌های مدل از اعتبار قابل قبولی برخوردارند. بالاترین این ارقام در گویه رفت و آمدها برابر با مقدار ۰/۷۷ است. بخش ساختاری مدل نیز بیانگر تحلیل مسیر^۳ روابط بین متغیرهای پنهان است. در مدل لیزرل متغیرهای حشو ارزش و تضاد هنجاری به ترتیب به مقدار ۰/۳۷ و ۰/۳۶ اثر مستقیم بر شکاف نسلی دارند. به عبارتی دیگر، هرچه قدر فرزندان ارزش‌های پدرانشان را حشو، قدیمی و نامتناسب با زمان بدانند و همچنین هرچه قدر فرزندان با پدرانشان تضاد هنجاری بیشتری داشته باشند، شکاف در ارزش‌های فرزندان و پدران افزایش می‌یابد. این دو متغیر تقریباً اثر برابری بر شکاف نسلی از دیدگاه نسل‌ها دارند. از سویی دیگر، استبدادگرایی پدران ۰/۷۳ بر حشو ارزش پدران و ۰/۶۳ بر تضاد هنجاری نسل‌ها تأثیر دارد. استبدادگرایی پدران یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکاف نسلی است. نسل بزرگسال و پدر مستبد نمی‌تواند انتقال‌دهنده میراث نسل خود به نسل فرزندان باشد، چراکه مستبد بودن از طریق ایجاد احساس عداوت باعث می‌شود که ارزش‌های پدران به نظر فرزندان حشو بیاید و باعث فاصله افتادن هنجارهای پدران و فرزندان شود و از طریق دو متغیر اخیر به‌طور غیرمستقیم بر شکاف بین نسل‌ها تأثیر بگذارد. همچنین بحران هویت نسل فرزندان نیز ۰/۳۴ بر تضاد هنجاری نسل‌ها تأثیرگذار است.

آماره‌های ذکر شده در پایین مدل لیزرل بیانگر نیکویی برازش مدل با داده‌های آشکار است. یکی از شاخص‌های قضاوت کردن درباره برازش مدل کمیت X^2 (کای اسکوئر) است. کمیت پایین X^2 دلالت بر برازش مدل دارد. در این خصوص از تقسیم X^2 بر درجه آزادی (df) می‌توان در مورد بزرگی یا کوچکی X^2 قضاوت کرد. طبق نظر کلاین، اگر عدد حاصل از این تقسیم ۳ یا کمتر باشد، برازش مدل قابل قبول است و عدد بیشتر از

1. Latent variable
2. Observation variable
3. Path analysis

۳ نشانگر عدم برازش کامل مدل است (رسول‌زاده، ۱۳۸۱، ۱۹۷). عدد حاصل از این فرمول برای مدل لیزرل حاضر ۲/۵۰ است و در محدوده مذکور قرار دارد و از این لحاظ می‌توان گفت که برازش مدل قابل قبول است. شاخص RMSEA یا ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب مبتنی بر پارامتر غیرمرکزی یکی از شاخص‌های پرکاربرد برازش مدل است که این شاخص برای مدل تحقیق در شکل ۱ برابر با ۰/۰۷ است و در محدوده‌ای که گارسون برای برازش مدل (۰/۰۸ و کمتر) بیان می‌کند، قرار دارد. شاخص نیکویی برازش مدل (GFI) برابر با ۰/۸۲ و تعدیل یافته آن (AGFI) برابر با ۰/۷۹ درصد است که در حد قابل قبول برای برازش مدل قرار دارند. این اعداد هرچه به یک نزدیک‌تر باشند، نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است.



شکل ۱. مدل معادلات ساختاری پژوهش

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اختلاف میانگین پاسخ‌های پدران و فرزندان در شاخص شکاف نسلی از دیدگاه نسل‌ها بسیار پایین است که حکایت از وقوف کامل پدران و فرزندان از تفاوت‌های ایجاد شده بین آنها دارد. میزان شکاف گزارش شده توسط هر دو نسل تقریباً ۴۵ (از حداکثر ۱۰۰ و حداقل ۰) است. به عبارت دیگر، پدران و فرزندان تقریباً در نیمی از ارزش‌هایشان با هم اختلاف دارند. با این حال، نسل پدران اندکی بیشتر از نسل جوانان به تفاوت‌های خود با فرزندان‌شان صحنه‌گذارده‌اند.

چنانکه پیش‌تر ذکر شد، شکاف نسل‌ها امری بسیار پیچیده و متأثر از عوامل متعدد جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و... است. با این حال، شاید بتوان این عوامل را تحت عنوان دو دسته کلی عوامل خرد و کلان یا «عوامل درون‌خانوادگی» و «عوامل برون‌خانوادگی» تقسیم‌بندی کرد. نظر به شکل‌گیری رویکردهای نوین در مطالعات بین‌رشته‌ای و همچنین چندسطحی در علوم انسانی، امید می‌رود که افق‌های جدیدی برای بررسی مسئله روابط نسلی گشوده شود. مسئله‌ای که نه نگاه حذفی به آن قابل قبول است و نه نگاه رهاسازی بی‌حد و حصر آن در زمان و مکان محدود. به نظر می‌رسد، مدیریت روابط نسلی در دنیای امروز برای انتظام اجتماعی و همچنین پویایی اجتماعی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بر این مبنا و با توجه به نتایج به دست آمده و با هدف تعدیل شکاف بین نسل‌ها و تلطیف روابط آنها به ذکر چند پیشنهاد پرداخته می‌شود:

۱. رفتار مقتدرانه، نه مستبدانه والدین و همین‌طور سایر متولیان تعلیم و تربیت و جامعه‌پذیری جامعه، عاملی مهم و مانع از تشدید شکاف نسل‌هاست. استبدادگرایی والدین به‌عنوان مانعی جدی در پیوند نسل‌ها مطرح است و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم سرعت شکاف نسل‌ها را تسریع می‌کند. استبدادگرایی پدران منشأ تضاد خانوادگی، تضاد هنجاری نسل‌ها و حشو ارزش‌های آنان می‌شود که همه اینها بر شکاف نسل‌ها مؤثر هستند. استبدادگرایی مانع از ایجاد ارتباط‌های مؤثر و رایج در مناسبات انسانی می‌شود. در مقابل، ارتباطی که متکی بر تفاهم، صمیمیت و درک متقابل باشد، دنیای درونی دو نسل را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

۲. با در نظر گرفتن اینکه حشو ارزش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکاف ارزشی بین نسل‌ها ایفای نقش می‌کند و با توجه به در حال‌گذار بودن جامعه و به چالش

کشیده شدن نظم سنتی، والدین و فرزندان هر دو باید مراقب جوانب این جریان باشند. والدین باید از طریق جامعه‌پذیری مجدد متقاعد شوند که وضعیت، شرایط و زمانه تغییر یافته است و وضعیت جدید، فکر، احساس، سبک رفتاری و... جدید را می‌طلبد. از این لحاظ باید به فرزندان خود حق بدهند و آنان را دشمن متعلقات خود ندانند و از سوی دیگر، نسل فرزندان نیز چشم و گوش بسته به همه چیز پشت پا نزنند و این مطلب را فراموش نکنند که به هر صورت آنها زاینده و وارث گذشته‌اند.

در این ارتباط، همزیستی نسل‌ها در پرتو رویکردی حاصل می‌شود که از حال به آینده معطوف باشد و توانایی نگاه به آینده و اندیشه آینده‌نگر را داشته باشد. در صورت فقدان چنین بینشی، حوزه مسائل مورد علاقه نسل‌ها بسیار محدود و تنگ‌نظرانه خواهد بود. در حیطه بسته چنین اندیشه‌ای، جایی برای پرداختن به دیگران و مسائل مورد علاقه آنان باقی نمی‌ماند.

۳. احساس بی‌هویتی و سوءفهم در هویت فرد، او را سرگردان می‌کند. روند پرشتاب و فزاینده زندگی معاصر به گونه‌ای توجه جوانان را به خود جذب کرده که فرصت پرداختن به خود را از آنان سلب می‌کند. بنابراین، به مرور زمان از خود، فرهنگ و هویت خویش بیگانه و دورتر می‌شوند. هویت‌یابی فرایندی است که از خانواده شروع و تا مرزهای ملی یک کشور و حتی فراتر ادامه می‌یابد. چنانچه در این مراحل فرد نتواند هویت اصلی خود را بازیابد، بین هویت اصلی خود و هویت‌های رقیب سرگردان شده و در معرض الگوها و اندیشه‌هایی قرار می‌گیرد که هویت یا هویت‌های رقیب منتشر می‌کنند و وی به سختی قادر به فهم فرهنگ و میراث نسل پیشین خود خواهند شد. با توجه به اهمیت این مقوله، ضرورت دارد خانواده‌ها و مسئولین فرهنگی و تربیتی جامعه اهتمام بیشتری در تقویت هویت فرهنگی جوانان داشته باشند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
۲. تری یاندیس، هری، س. (۱۳۷۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی، تهران: نشر رسانش.
۳. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سمت.
۴. توکلی، مهناز (۱۳۷۸) بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دختران (نسل انقلاب) و مادران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
۵. تیموری، کاوه (۱۳۷۷). بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
۷. دانایی، نسرين (۱۳۸۴). «تفاوت نسل دیروز و نسل امروز»، روزنامه همشهری، شماره ۳۷۳۲.
۸. دواس، دی. ای (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
۹. رحیمی، محمد (۱۳۹۰). «شکاف نسلی در رویکردهای جامعه‌شناختی»: http://socialsciences.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=121:1390-11-09-08-59-46&catid=47:1390-09-27-14-20-27&Itemid=61.
۱۰. رسول‌زاده اقدم، صمد (۱۳۸۱). عوامل مؤثر بر خشونت علیه کودکان در خانواده‌های تهرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰). وضعیت و نگرش جوانان ایران، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.
۱۲. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰). جوان و بحران هویت، تهران: نشر سروش.
۱۳. یوسفی، نریمان (۱۳۸۲). «سبک‌های تربیتی و شکاف بین‌نسلی»، گسست بین نسل‌ها (مجموعه مقالات)، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

ب) منابع لاتین

1. Borgatta, Edgar F. and Borgatta, Marie L. (1992). Encyclopedia for sociology, Macmillan Publishing company, New York .
2. Cileli, Meral & Tezer, Esion (1998). "Life and value orientations of Turkish university students", adolescence, Vol. 33, No. 129 .
3. Deth, Jan W. Van & Scarbrough Elinor (1995). The Impact of Values, Oxford university press .
4. Diepstraten, Isabelle et al. (1999). "Talking about My Generation, Ego and Alter Images of Generations in the Nether Lands", netherlands' journal of social sciences, 35, 2: 91-109 .
5. Dudley Roger, Louis (1978). "Alienation from Religion in Adolescents from

- Fundamentalist Religious Homes", journal for the scientific study of religion, 17 (4): 389-398 .
6. Grusec, Joan E. & Goodnow, Jacqueline J. (1994). "Impact of Parental Discipline Methods on the Child's Internalization of Values: A Reconceptualization of Current Points of view", developmental psychology, Vol. 30, No. 1: 4-19 .
 7. Grusec, Joan E. et al. (2000). "New Directions in Analyses of Parenting Contributions to Children's Acquisition of Values", child development, Vol. 71, No. 1: 205-211 .
 8. Hoge, Deanr et al. (1982). "Transmission of Religious and Social Values from Parental to Teenage Children", Journal of marriage and the family, Vol. 44 .
 9. Jacobsen, R. Brooke et al. (1975). "An Empirical Test of the Generation Gap: A Comparative Interfamily Study", Journal of marriage and the family, Vol. 37: 841, 850 .
 10. Morris, Richard T. (1956). "A Typology of Norms", american sociology review, Vol. 21: 610-613 .
 11. Okagaki, Lynn and Bevis, Claudia (1999). "Transmission of Religious Values: Relation between parents' and daughters' beliefs", the journal of genetic psychology, 160 (3): 303-308 .
 12. Okagaki, Lynn et al. (1999). "Socialization of Religious Beliefs", journal of applied development psychology, 20 (2): 273-294 .
 13. Reed, Fred W. et al. (1986). "Perceived Value Similarity in the Transition to Adulthood (A study with parents and peers)", youth & society, Vol. 17, No. 3: 267-282